

شاهنامه در هند

ابوالقاسم فردوسی (م: ۱۰۲۰/۴۱۱ یا ۱۰۲۵/۴۱۶) شاهنامه‌ای را در بحر متقارب در حدود سال‌های ۱۰۱۰/۴۰۱ یا ۱۰۱۱/۴۱۲ سرود. این مثنوی حماسی درباره فرمانروایان ایران قبل از فردوسی است و برای ایرانی‌ها «کتاب ملی» و در جهان فارسی اثری مورد پسند صاحبان ذوق بوده است. این اثر ارزشمند فردوسی در هند هم از دیرباز مورد توجه بوده است. شاهنامه در حضور پادشاهان و دولتمردان خوانده می‌شد و شاعران از آن پیروی می‌کردند. آثار تاریخی بسیاری به پیروی از شاهنامه فردوسی سروده شدند که درباره آنها در مقاله «آثار تاریخی به پیروی شاهنامه فردوسی در شبه‌قاره هند» بحث شده است. در این مقاله به جنبه‌های دیگر پیروی از شاهنامه در هند پرداخته می‌شود:

شاعران هندی علاوه بر حماسه‌های تاریخی، حماسه‌های دینی مختلفی را نیز به پیروی از شاهنامه فردوسی سروده‌اند که فهرست مختصری از آن را با ذکر بعضی آثار دیگر درباره شاهنامه، در زیر می‌آوریم:

- محمد رفیع باذل (م: ۱۱۲۳ یا ۱۷۱۱/۱۱۲۴ یا ۱۷۱۲)، فرزند میرزا محمد و برادرزاده میرزا محمد طاهر مخاطب به وزیر خان عالمگیری، وقایع تاریخی از بعثت پیغمبر اسلام^(ص) تا درگذشت آن حضرت را در چهل هزار بیت در بحر شاهنامه فردوسی سرود و آن را حمله حیدری نامید^۱. باذل در این مثنوی خود داد سخن داده است^۲. باذل در نظر داشت که تاریخ اسلام از بعثت پیغمبر اسلام^(ص) تا خلافت حضرت علی^(ع) را به نظم بکشد و درباره خلافت حضرت علی به تفصیل بنگارد

۱. تاریخ محمدی، میرزا محمد، ص ۳۱.

۲. سفینه خوشگو، ص ۹۵۱؛ مارشل، ص ۱۰۸.

ولی مثنوی او با وصال پیغمبر اسلام^(ص) به پایان می‌رسد. این امر درست نیست که باذل معارج‌النبوت معین مسکین را جامه شعر پوشانیده است، زیرا که معین مسکین تألیف خود را از واقعات تولد پیغمبر اسلام^(ص) شروع می‌کند و تا وصال آن حضرت به پایان می‌رساند^۱. نجف در سال ۱۷۲۳/۱۱۳۵ در حمله حیدری^۲، محمد صادق آزاد در حمله حیدری^۳، محب علی خان حکمت در صولت صفدری که در ۱۱۴۳+۱۸۳۰ به پایان رسید^۴ و پسند علی بلگرامی در تکلمه حمله حیدری^۵ کار باذل را ادامه دادند و به تکمیل رساندند^۶. حمله حیدری همراه با تکلمه‌های خود طولانی‌ترین مثنوی فارسی است که تعداد ابیانش به نود هزار می‌رسد^۷. مثنوی دیگری به نام حمله حیدری از ملا هامون علی کرمانی راجی هم وجود دارد که به‌خواهش شاهزاده ابراهیم خان در سال ۱۸۰۵ م سروده شده است^۸.

- محمد حسن تنوی متخلص به محسن (م: ۱۱۶۳/۱۷۵۰) فرزند نور محمد بن ابراهیم بن یعقوب، حمله حسینی یا اعلام ماتم سرود^۹.
- غلام غلی موسوی رضوی جهانگیرنگری (داکا) حمله حسینی را که مثنوی طولانی درباره فاجعه کربلاست در سال ۱۲۶۳/۱۸۴۶ سرود^{۱۰}.
- حربه حیدری مثنوی دیگری درباره همین موضوع است که شاعری به‌تخلص کرم آن را سروده است^{۱۱}.

۱. فارسی ادب به عهد اورنگ‌زیب، ص ۱۴۸.

۲. سالار جنگ، شماره ۱۸۸.

۳. فهرست نسخ خطی کتابخانه خدا بخش، ج ۳، ص ۱۸۴.

۴. از آگره در ۱۳۰۵ ه به چاپ رسیده است.

۵. فارسی ادب به عهد اورنگ‌زیب، ص ۱۵۱.

۶. مارشل، ص ۱۰۸.

۷. فارسی ادب به عهد اورنگ‌زیب، ۱۵۱.

۸. همان، ۱۵۱.

۹. تاریخ دلگشای شمشیرخانی، مقدمه، ص ۱۲.

۱۰. کتابخانه خدا بخش، شماره ۴۳۹.

۱۱. اسپرنگر، ص ۴۵۶.

- میرزا اسدالله خان غالب (م: ۱۵ فوریه ۱۸۶۹م)، شاعر معروف فارسی و اردو در قرن نوزدهم میلادی و استاد آخرین پادشاه تیموری بهادر شاه ظفر (۱۸۳۷/۱۸۵۳-۱۸۵۷/۱۲۷۴)، در اواخر عمر خود یک مثنوی به نام ابر گهربار مشتمل بر حدود یک هزار و یک صد و بیست بیت در بحر متقارب شاهنامه فردوسی سرود. او در نظر داشت سیرت پیغمبر اسلام^(ص) و غزواتش را به نظم کشد ولی نتوانست کار خود را به پایان برساند^۱ این مثنوی و آثار دیگر غالب چاپ شده‌اند.

داستان‌های هند به سبک و بحر شاهنامه

بعضی از داستان‌های هندی هم به سبک و بحر شاهنامه به فارسی ترجمه و یا بازگو شده‌اند.

- چترا بهوج داس بن مهرچند در دوره سلطنت اکبر شاه تیموری (۱۵۵۶/۹۶۳-۱۶۰۵/۱۰۱۴) سنگهاسن بتیسی را که مجموعه داستان‌های قهرمانی راجا بکرماجیت است، به فارسی ترجمه کرد و آن را شاهنامه نامید^۲.
- شیخ سعدالله مسیح پانی پتی که در کرانا در شهر پانی پت متولد شد و دوازده سال در بنارس به فراگیری زبان سانسکریت پرداخت، رامایانا کتاب مقدس هندوان را به سبک و بحر شاهنامه به فارسی ترجمه کرد و عفت سیتا همسر راما را با الهام از این بیت شاهنامه فردوسی:

منیژه منم دخت افراسیاب برهنه ندیده است تنم آفتاب

چنین تعریف و توصیف کرد:

تنش را پیرهن عریان ندیده چو جان اندر تن و تن جان ندیده^۳

در بعضی از داستان‌ها و قصه‌های منثور و منظوم فارسی در هند، اسامی قهرمانان شاهنامه بکاربرده شده است که نشان می‌دهد نویسندگان آنها شاهنامه را در نظر

۱. تاریخ ادبیات فارسی، ص ۱۲۳.

۲. فارسی ادب به عهد اورنگ‌زیب، ۴۳۷؛ مارشل ۱۲۲.

۳. راماین مسیح، ص ۵۹.

داشته‌اند. در حکایت صنوبر و گل که در سال ۱۷۱۷/۱۱۲۹ سروده شد، بعضی از افکار و اسامی از شاهنامه فردوسی مأخوذاند.^۱

برگزیده‌های شاهنامه به‌نثر

- تاریخ دلگشای شمشیرخانی عنوان کتابی است که میرزا توکل بیگ بن تولک بیگ حسینی، واقعه‌نویس دربار شاهزاده داراشکوه (۱۶۱۵/۱۰۲۴-۱۶۵۸/۱۰۶۹)، در آن شاهنامه را به‌نثر آمیخته با ابیات شاهنامه برای محمد حیات شمشیرخانی حاکم غزنین (۱۶۵۲/۱۰۶۳-۱۶۵۸/۱۰۶۹) در سال ۱۶۵۲-۵۳/۱۰۶۳ خلاصه کرد.^۲ ج. اتکینسن (J. Atkinson) این خلاصه را در سال ۱۸۳۲ م به‌انگلیسی برگرداند و همین سال از لندن به‌چاپ رساند. او در مقدمه این ترجمه چنین نظر می‌دهد: “حتی در هند و نواحی جنوب شرقی که در آنجا فارسی رواج دارد و مردمان آن را می‌دانند، شاهنامه از اهمیت زیادی برخوردار است. اما شاهنامه بیشتر بنابر این خلاصه ماهرانه که به‌فارسی انجام داده شده، شناخته می‌شود.”^۳
- تاریخ دلگشای شمشیرخانی به‌کوشش طاهره پروین اکرم از مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام‌آباد، پاکستان در ۲۰۰۵ م به‌چاپ رسیده است.
- بهادر علی فرزند جعفر الله وردی خان (م: ۱۰۷۹/۹-۱۶۶۸) فوجدار بخش‌های ماتورا، مرادآباد، گورگه‌پور و غیره در دوره سلطنت اورنگ‌زیب عالمگیر (۱۰۶۸/۱۶۵۸-۱۷۰۷/۱۱۱۸)، ۲۴ داستان شاهنامه را به‌مناسبت اسم سرپرست خود بختاور خان به‌نام شاهنامه بختاورخانی در ۱۰۹۳/۱۶۸۲ به‌نثر درآورد.^۴
- بعدها تاریخ دلگشای شمشیرخانی هم به‌عنوان خلاصه شمشیرخانی تلخیص شده است. جمیل‌الدین بجنوری این کتاب را به‌نام خلاصه شمشیرخانی.^۵ و هر به‌گوان

۱. پکتان . میں فارسی ادب .، ج ۳، ص ۲۶۷.

۲. تاریخ ادبیات فارسی ...، ص ۴۶.

۳. اتکینسن، مقدمه، ص XXIV.

۴. ریو، ج ۳، ۱۰۳۷؛ فارسی ادب به‌عهد اورنگ‌زیب، ص ۴۴.

۵. تاریخ ادبیات فارسی ...، ص ۵۶.

به نام *مرآة الملوک* خلاصه کرده‌اند.^۱

- رام نراین حاجی پوری فرزند لچه‌می نراین، پیشکار دربار شاهزاده محمد بیدار بخت تیموری، شاهنامه را به نام منتخب رام نراین در دوره حکومت محمد شاه روشن اختر تیموری (۱۷۱۹/۱۱۳۶-۱۷۴۲/۱۱۶۱) خلاصه کرد.^۲

فرهنگ‌های شاهنامه

- گنج‌نامه در حل لغات شاهنامه: علی المکی ابن طیفور به تقاضای رضا قلی بیگ مخاطب به نیک نام خان (م ۱۰۸۲/۱۶۷۱)، یکی از وزرای قطب شاهیان دکن، این فرهنگ و اثره‌های شاهنامه را در روز هفتم جمادی‌الآخر ۱۰۷۹/دوازدهم نوامبر ۱۶۶۸ م به تکمیل رساند.^۳
- فرهنگ شاهنامه، از نگارنده نامعلوم
- فرهنگ شاهنامه، از جسونت رای^۴
- فرهنگ جعفری اثری ارزشمند از جعفر علی خان فرزند نواب معین‌الدوله انتظام‌الملک عنایت علی خان اوده که در سال ۱۸۴۳/۱۲۵۹ به تکمیل رسید.^۵
- فهرست مطالب شاهنامه^۶، دیباچه‌ای به شاهنامه^۷. هم در هند به نگارش آمده‌اند.

آثاری مستقل درباره فردوسی و شاهنامه

در زمینه تجلیل و تجزیه و تحلیل احوال و آثار فردوسی هم آثاری در هند به نگارش درآمده‌اند.

-
۱. تاریخ ادبیات فارسی، ...، ۵۷.
 ۲. مارشل، ص ۱.
 ۳. تاریخ ادبیات فارسی، ...، ص ۵۸.
 ۴. همان، ۵۸-۵۹.
 ۵. همان، ص ۴۱۴.
 ۶. همان، ص ۵۹.
 ۷. همان، ص ۶۰.

علامه شبلی نعمانی (م: ۱۳۳۲/۱۹۱۴)، دانشمند و منتقد شهیر، شاید برای اولین مرتبه شاهنامه را به نظر انتقادی مطالعه کرد. وی محاسن ادبی و فنی این اثر را بررسی کرد و جنبه‌های گوناگون اجتماعی، فرهنگی، دینی و سیاسی شاهنامه را به‌طور خاص ارزیابی کرده و نتایج این مطالعه مفصل و عمیق خود را در جلد اول و چهارم شعرالعجم خود ارائه داده است. او تا حدی معترف و معتقد به عظمت شاهنامه بود که چون این نظر برآون (E.G.Brown) درباره شاهنامه که: "شعرايي که بعد از فردوسی به دنیا آمدند، از لحاظ اندیشه‌های شاعرانه و شوکت الفاظ بهتر از فردوسی هستند و شاهنامه را نمی‌توان در برابر سبعه معلقه گذاشت" به‌سمع‌اش رسید، در رد آن بیتی نقل کرد که بدین‌قرار است:

حریف کاوش مزگان خون ریزش نه ای زاهد بدست آور رگ جانی و نشتر را تماشا کن^۱
 سپس استاد محمود شیرانی (م: جمعه ۱۲ ربیع‌الاول ۱۳۶۶ هـ/۱۹۴۷) کتاب معروف خود چهار مقاله درباره فردوسی (به‌زبان اردو) را نگاشت. (این مقالات به‌شکل کتابی و در مجموعه مقالات محمود شیرانی ج ۸ چاپ شده‌اند. مجلس ترقی ادب، لاهور ۱۹۸۵ م). این محقق نامدار هندی نظریات عمیق و عالمانه‌ای پیرامون شاهنامه و فردوسی مطرح کرد که تا آن زمان کسی ارائه نداده بود.^۲ احوال فردوسی، سبب و زمان نظم شاهنامه، هجو سلطان محمود، مذهب فردوسی و یوسف و زلیخای فردوسی از جمله موضوعاتی هستند که در این مقالات مورد بررسی و تحقیق قرار گرفته‌اند. علاوه بر این پروفیسور هادی حسن، استاد فارسی در دانشگاه اسلامی علی‌گره، در کتاب انگلیسی خود *Studies in Persian Literature*^۳ و جوئل وائزلال در *An Introductory History of Persian* ص ۸۷-۸۹ محاسن ادبی شاهنامه و هنر فردوسی را توصیف کرده‌اند.

۱. شعرالعجم، ج ۱، ۱۰۸، ج ۴، ص ۱۹۸.

۲. نقد شعرالعجم شبلی نعمانی، ص ۱۰.

۳. ص ۱۴۸-۱۱۵.

بقول این دو صاحب نظر: فردوسی در نیروی تخلیق، ظرافت هنری، شدت احساس و قوت فکری، کاملاً همانند هومر و دانته است. در ایجاد صور و اجزای آنها، در ابراز نرم‌ترین احساسات، شدیدترین علاقه، تأثیر درامی، شکوه رنگ‌آمیزی، صحنه تخیل و لطافت عواطف او به‌هیچ وجه کمتر از شکسپیر نیست.

تراجم شاهنامه به اردو

- سرور سلطانی ترجمه تاریخ شمشیر خانی به اردو به‌اضافه مطالبی از کتاب‌های دیگر است. رجب علی بیگ سرور (م: ۱۸۶۹/۱۲۸۶)، نگارنده فسانه عجائب (کتاب معروف به اردو)، آن را به‌پیشنهاد آخرین پادشاه اوده واجد علی شاه اختر در سال ۱۱۷۳/۶۰-۷۵۹ به‌پایان رساند. این ترجمه چند مرتبه از مطبع مسیحایی، لکهنو ۱۲۶۸/۱۸۵۱، مطبع سلطانی، لکهنو ۱۲۶۳/۱۸۴۶ و به تحقیق آغا سهیل از مجلس ترقی ادب، لاهور در ۱۳۹۵ هـ به‌چاپ رسیده است.
- قصه خسروان عجم اسم ترجمه تاریخ شمشیر خانی به اردوست که مول‌چند لکهنوی متخلص به‌منشی شاگرد شاه نصیر شاعر معروف اردو در دوره نایب‌السلطنت انگلیس سر هنری هاردینگ (Sir Henry Harding) به‌دستور کپتان ژورژ ترنمل مارشال بهادر در سال ۱۲۲۵/۱۸۱۰ برای مدارس به‌عمل آورد. چاپخانه منشی نولکشور آن را در ماه مارس سال ۱۸۷۲ م به‌چاپ رسانده است. منشی مول‌چند متخلص به‌منشی که منشی شمشیر خان بود، شاهنامه را به‌تقاضای برادر خود متخلص به زورآور در ۱۲۲۵/۱۸۱۰ در دوره اکبر شاه دوم تیموری (۱۲۲۵/۱۸۰۶-۱۸۳۷/۱۲۵۳) به‌زبان هندوستانی به‌نظم آورده است.^۱ این ترجمه از دهلی در سال ۱۸۴۴ م و کلکته در سال ۱۸۴۶ م چاپ و منتشر شده است.
- لاله بهیم چند گزیده شاهنامه را به‌زبان اردوی دکنی بر گرداند.^۲

۱. مارشل، ص ۳۵۵.

۲. تاریخ دلگشای شمشیرخانی، مقدمه، دوازه.

- سراج‌التواریخ از نذر علی که در سال ۱۰۶۵/۱۶۵۴ به نام نواب سراج‌الملک، یکی از امرای حیدرآباد، به اردو برگردانده شد.^۱

تراجم شاهنامه به زبان بنگالی

- محمد خاطر از اهالیان بنگال غربی شاهنامه را به شعر بنگالی درآورد. شاید این قدیمی ترین ترجمه شاهنامه به بنگالی است. سال نخستین چاپ آن معلوم نشد ولی سال دومین چاپ آن در ۳۴۵ صفحه، ۱۸۸۶ م و سال چاپ سوم آن ۱۹۳۷ م از کلکته است. مزمل حق (۱۸۶۰-۱۹۳۲) که احوال فردوسی را به نثر بنگالی نوشت (چاپ اول ۱۳۰۵/۱۸۹۸، دوم ۱۳۱۸/۱۹۱۲، چاپ نهم ۱۳۴۶/۱۹۳۹) و دکتر غلام ثقلین استاد زبان بنگالا، دانشگاه راج شاهی (داکا) آن را با مقدمه خود از نوروز کتابستان، بنگالا بازار داکا در سال ۱۹۶۸ م منتشر کرد.
- همین غلام ثقلین شاهنامه را در سال ۱۹۰۹ و ۱۹۱۸ م به نثر بنگالا ترجمه کرد. بخش اول آن در دست است که از خیابان کیننگ، کلکته منتشر شده است.
- ترجمه دیگر آزاد شاهنامه به شعر بنگالا با مقدمه و نقد و بررسی از طرف فرهنگستان بنگالا در سال ۱۹۷۷ م چاپ شده است.
- علاوه بر این داستان‌های شاهنامه از بنده علی به نثر ساده بنگالا برای بچه‌ها در سال ۱۹۴۹ م و سپس در ۱۹۵۷ م از کلکته چاپ شده است.
- بهوپیش رای «شاعر شاهنامه» را در احوال فردوسی برای بچه‌های مدارس مقدماتی از بنیاد فرهنگ اسلامی، داکا در ۱۹۸۱ م به چاپ رساند.
- داستان شاهنامه کتاب مختصری از قاضی ابوالحسین به زبان بنگالاست که در سال ۱۹۶۴ م به چاپ رسیده است. قصه‌های شاهنامه در نثر بنگالا برای خوانندگان و علاقمندان به ادب فارسی است که از داکا چاپ گردیده است.

۱. تاریخ ادبیات فارسی...، ص ۶۰.

تراجم شاهنامه به زبان گجراتی

م. س. لانگ دانا در سال ۴-۱۸۷۲ م، دستور م. ج. جواس پاسانا در سال ۱۵-۱۹۱۱ م، ن. کوترا درایف در سال ۱۹۱۴ م، دکتر د. ن. یاتل در سال ۱۹۲۳ م و. ر.ن. ماستر در ۲۴-۱۹۱۵ م شاهنامه را به گجراتی منتشر کردند.

تراجم شاهنامه به زبان هندی

خسرو عجم ترجمه منظوم تاریخ شمشیر خانی به هندی است که به تصحیح غلام حیدر از کلکته در سال ۱۸۴۶ م، کانپور در سال ۱۸۵۲ م، لکهنو در سال ۱۸۷۲ م و میرت در سال ۱۸۷۶ م به چاپ رسیده است.

تراجم شاهنامه به زبان سندهی

محمد عاقل عاقلی به پیشنهاد مرشد خود صبغت الله قادری در سال ۱۳۴۷ هـ ش شروع به ترجمه شاهنامه به زبان سندهی کرد ولی با فوت او کارش ناتمام ماند!

چاپ‌های شاهنامه در هند

شاهنامه حداقل پنجاه مرتبه از هند چاپ و منتشر شده است.^۱

- یکی از آنها که شاید اولین چاپ شاهنامه در جهان است، به تصحیح پ. م. لامیتون (P.H.Lambiton) که شاید استاد فورت ویلیام کالج، کلکته بود و از روی ۴۷ نسخه خطی تصحیح شد، از فورت ویلیام کالج، کلکته در ۱۲۲۶ هـ/ژوئیه ۱۸۱۱ م به چاپ رسیده است.
- مطبع نولکشور جلدهای مختلف شاهنامه را از لکهنو و کانپور چند مرتبه به چاپ رسانده است.
- باپتست مشن پریس (Baptist Mission Press) کلکته در سال ۱۸۴۹ م.
- کامپت او کرشناچی پریس، کلکته در سال ۱۸۸۰/۱۲۹۷.

۱. تاریخ دلگشای شمشیرخانی، مقدمه، دوازده.

۲. تاریخ ادبیات فارسی، ص ۶۱-۶۶.

- ناصری پریس، بمبئی شاهنامه‌ای را که در سال ۱۸۹۷/۱۳۱۵ به چاپ رساند، یک نفر ایرانی به نام میرزا محمد حسین خسروی شیرازی آن را کتابت کرده بود.
- شاهنامه به مناسبت یکهزار و هشتمین سال تولد فردوسی هم از بمبئی به کوشش اردشیر نبشایی بن فدارحم مرزبان اله‌آبادی خاصع از چاپخانه سلطانی در ۱۳۲۲ خ چاپ شده است.
- رستم و سهراب نمایشنامه‌ای در پنج پرده از شاهنامه فردوسی اقتباس شده و کاظم‌زاده مدیر مجله ایران شهر آن را نگاشته است که با مقدمه‌ای از ک. م. میترا از چاپخانه هندی در ۱۹۲۷ م در ۴۴ صفحه چاپ گردیده است.

منابع:

۱. آزاد، غلام علی بلگرامی: خزانہ عامرہ، نولکشور، کانپور ۱۸۷۱ م.
۲. آفتاب اصغر: تاریخ‌نویسی فارسی در هند و پاکستان، خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران، لاهور، پاکستان ۱۳۶۴ ه.ش.
۳. احمد علی هاشمی سندیلوی: مخزن‌الغرائب، نسخه خطی، کتابخانه خدابخش، پتنا، شماره ۲۴۰.
۴. انصاری، نورالحسن، فارسی ادب به عهد اورنگ‌زیب، پرشین سوسایتی، دهلی ۱۹۶۹ م.
۵. بدایونی، عبدالقادر: منتخب‌التواریخ، مقدمه و اضافات توفیق ه سبجانی، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۹.
۶. تقی‌الدین محمد اوحدی: عرفات‌العاشقین، نسخه خطی کتابخانه خدابخش، پتنا ستاره ۲۳۰.
۷. خواجه عبدالرشید: تذکره شعرای پنجاب، اقبال آکادمی، کراچی، آبان‌ماه ۱۳۴۶ خ.
۸. حسام‌الدین راشدی؛ سید: مقالات راشدی، کراچی، ۲۰۰۲ م.
۹. خوشگو، بندرا بن داس: سفینه خوشگو، تصحیح عطاءالرحمن کاکوی، پتنا.
۱۰. شاهد چودھری، دکتر توفیق ه سبجانی و نقد شعر العجم شبلی نعمانی، تهران ۱۳۸۱.
۱۱. شبلی نعمانی، علامه: شعرالعجم، ج ۱، ج ۴، (ترجمه فارسی) سید محمد تقی فخر داعی گیلانی، تهران، ۱۳۳۵.
۱۲. طاهره پروین اکرم: تاریخ دلگشای شمشیرخانی، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام‌آباد، پاکستان ۲۰۰۵ م.

۱۳. ظهورالدین احمد، دکتیپاکستان . *میرفارسی ادب*، اداره تحقیقات پاکستان، دانشگاه پنجاب، لاهور ۱۹۸۵ م.
۱۴. عابدی سید امیر حسن: گفتارهای پژوهشی در زمینه ادبیات فارسی، تهران ۱۳۷۷.
۱۵. عابدی سید امیر حسن: هندستانی فارسی ادب (تاریخ ادبیات فارسی ۰۰۰)، به کوشش دکتر شریف حسین قاسمی، اندو پرشین سوسایتی، دهلی ۱۹۸۴.
۱۶. عبدالستار: مجالس جهانگیری، تصحیح عارف نوشاهی و معین نظامی، میراث مکتوب، تهران ۲۰۰۶.
۱۷. فرشته، محمد قاسم: تاریخ فرشته (گلشن ابراهیمی)، لکهنو ۵-۱۹۶۸ م.
۱۸. قاطعی هروی، ملا: مجمع الشعراى جهانگیر شاهی، به تصحیح سلیم اختر، مؤسسه تحقیقات علوم آسیایی میانه و غربی، دانشگاه کراچی، ۱۹۷۹ م.
۱۹. شریف حسین قاسمی: فهرست نسخ خطی و چاپی شاهنامه فردوسی در هند، اندو پرشین سوسایتی، دهلی ۱۹۹۵.
۲۰. کنبو، محمد صالح: عمل صالح (شاهجهان نامه)، لاهور، ۱۹۶۸ م.
۲۱. کیخسرو اسفندیار: دبستان مذاهب، تهران، تابستان ۱۳۶۲.
۲۲. گلچین معانی: کاروان هند.
۲۳. لودی، امیر شیر علی خان: *مرآة الخیال*، عمده الاخبار پریس ۱۸۴۸ م.
۲۴. مسیح، شیخ سعدالله: *رامایان مسیح*، نولکشور، لکهنو ۱۸۹۹ م.
۲۵. منزوی احمد: فهرست مشترک نسخه های خطی فارسی پاکستان، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۹۸۸ م.
۲۶. میرزا محمد بن رستم: *تاریخ محمدی*، به تصحیح امتیاز علی عرشی، علیگره ۱۹۶۰ م.
۲۷. واله، علی قلی خان داغستانی، *ریاض الشعرا*، به تصحیح پروفیسور شریف حسین قاسمی، کتابخانه رضا، رامپور ۲۰۰۱ م.
28. Elliot, Sir H.M.: *History of India as told by its own Historians*, vol. viii, London, 1857.
29. Hadi Hasan, Prof.: *Studies in Persian Literature*, Jamia Millia Press Aligarh.
30. Ivanow, W.: *Concise Descriptive Catalogue of the Persian Mss. in the collection of Asiatic Society of Bengal*, 1924-26.

31. Marshal, N.: Mughal in India, A bibliographical survey of Mss., London, 1967.
32. Nabi Hadi: Dictionary of Indo-Persian Literature, Indira Gandhi National Centre for the Arts, Abhinav Publications, Delhi. 1995.
33. Qasemi, S.H.: A History of Indo-Persian Literature (1220-1274 A.H./1806-1857 A.D.) Department of Persian, University of Delhi, Delhi, 2008.
34. Rieu, C.: Catalogue of the Persian Mss. in the British Museum. London, 1879-83.
35. Sherwani, Haroon Khan: The Bahmanis of the Deccan, Munshi Ram Manoharlal, Delhi, 1985.
36. Sprenger, A.: A Catalogue of the Arabic, Persian and Hindustani Mss. in the Libraries of the kings of Oudh, Calcutta, 1857.
37. Storey, C.A.: Persian Literature - A Bio-Bibliographical Survey, London, 1927-53.